

Legal Civilization
Vol. 5, No. 13, Winter 2023
Pages: 445-466
Article Type: Original Research
http://www.pzhfars.ir/article_161593.html
doi: 10.22034/LC.2023.161593



تمدن حقوقی
دوره ۵، شماره ۱۳، زمستان ۱۴۰۱
صفحات: ۴۴۵-۴۶۶
نوع مقاله: علمی پژوهشی

Evaluation of the Approach of the Constitution in Determining the Criteria and Examples of Enjoining Good and Forbidding Evil

ارزیابی رویکرد قانون اساسی در تعیین ضوابط و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر

Rostam Ali Akbari

PhD in Criminal Law and Criminology, Lecturer at Bakhtar Ilam University, Ilam, Iran (Corresponding Author)

رستم علی اکبری
دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه باختر ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
rostamaliakbari.phd@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0002-2916-5613>

Hossein Amini

Assistant Professor of Public Law, Islamic Azad University of Kermanshah, Kermanshah, Iran

حسین امینی
استادیار حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران
hosin.ashna@yahoo.com

Behnam Karimi

Master of Political Science, Faculty of Political Science, Imam Khomeini University (RA), Qom, Iran

بهنام کریمی
کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام خمینی (ره)، قم، ایران
behnam.karimi1990@mailfa.com

Javad Darabi

Master of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Kangavar branch, Kangavar, Iran

جواد دارابی
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور، کنگاور، ایران
javad.darabi@mailfa.com

Abstract

Enjoining good and forbidding evil is one of the most basic teachings and rules of Islam, which is aimed at the happiness of the individual and the health of the Islamic society and is emphasized by religious texts and approved by human rationality. Revival and implementation of this important Islamic duty has been the focus of the drafters of the Constitution of the Islamic Republic of Iran in such a way that the eighth principle is dedicated to the issue of supervision of the people over the government, the government over the people and the people over each other, and to the institution of governance. It is interpreted as good and forbidden as bad. Improper or incomplete implementation and understanding of it causes chaos and insecurity, and the loss of the charm and privacy of individuals, or damage to their rights and freedoms. Warning, punishment, public attention and public responsibility will improve the society and avoid of problems. Enjoining what is good and forbidding what is evil is a public duty that clarifies the truths and by guiding the people of the society, destroys heresies and creates resistance against misguidance and falsehood. This article examines these cases in the light of the constitution and especially its eighth principle. The current research method is descriptive analysis.

Keywords: Enjoining what is Good, Forbidding what is Bad, the Constitution.

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر جزء اساسی‌ترین تعالیم و احکام اسلامی است که معطوف به سعادت فرد و سلامت جامعه اسلامی و مورد تأکید متون دینی و مورد تأیید عقل تدبیرگر بشری است. احیاء و اجرای این فریضه مهم اسلامی مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده به گونه‌ای که اصل هشتم آن به این موضوع اختصاص یافته است که به نظارت مردم بر دولت، دولت بر مردم و مردم بر یکدیگر می‌پردازد و به نهاد امر به معروف و نهی از منکر تعبیر می‌شود. اجرا و فهم نادرست یا ناقص از آن باعث ایجاد هرج و مرج و ناامنی و از بین رفتن حرز و حریم خصوصی اشخاص و یا ورود لطمه به حقوق و آزادی‌های آن‌ها می‌شود. تذکر، تنبه، توجه همگانی و مسئولیت عمومی موجب اصلاح جامعه و دوری از مشکلات می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر، یک تکلیف عمومی است که حقایق را روشن ساخته و با هدایت افراد جامعه، بدعت‌ها را از بین می‌برد و مقاومت در برابر گمراهی و باطل ایجاد می‌کند. این نوشتار به بررسی این موارد در پرتو قانون اساسی و به‌ویژه اصل هشتم آن، پرداخته است. روش تحقیق حاضر تحلیلی-توصیفی می‌باشد. **واژگان کلیدی:** امر به معروف، نهی از منکر، قانون اساسی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰

Received: 2022/10/20 - Review: 2022/12/01 - Accepted: 2023/01/20

ارجاع:

علی اکبری، رستم؛ امینی، حسین؛ کریمی، بهنام؛ دارابی، جواد؛ (۱۴۰۱)، ارزیابی رویکرد قانون اساسی در تعیین ضوابط و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، تمدن حقوقی، شماره ۱۳.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

تاریخ جوامع نشان‌دهنده واکنش‌های متفاوت نسبت به انحرافات و تباهی‌های اجتماعی بوده است. پیامبران الهی، فلاسفه و رهبران اندیشمندی که عهده دار هدایت جامعه بوده‌اند هر کدام به نحوی علیه بی‌عدالتی، ظلم و فساد قیام کرده‌اند، اما بدون التزام و مشارکت همگان، مقابله با این مفاصل ممکن نبوده است. در تاریخ جوامع مبارزه با انحرافات و فسادها هنگامی نتیجه بخش بوده است که همگان اعم از مردم و مسئولان مشارکت داشته و بر یکدیگر نظارت کرده‌اند. به عبارت دیگر، افراد جامعه اعم از مردم و مسئولان بر تصمیمات و اعمال یکدیگر نظارت کرده، خود را در برابر رفتارها و خطاهای یکدیگر مسئول دانسته‌اند. بنابراین می‌بایست نظارت و ارشاد در هر سه بُعد آن یعنی مردم بر مردم، مردم بر مسئولان و مسئولان بر مردم به بهترین نحو ممکن انجام بگیرد تا با مقابله علیه فسادها و جلوگیری از اشتباهات، زمینه رشد و تعالی هرچه بیشتر جامعه فراهم آید.

اما از آن جا که ممکن است اعمال نظارت موجب هرج و مرج، بی‌نظمی و اعمال خودسرانه شود، امروزه در قانون اساسی کشورها اصولی گنجانده شده است که این اعمال نظارت را قانونمند می‌سازد و راهکارهای اجرای هر کدام و حد و حدود آن را مشخص می‌سازد. از طرف دیگر، نحوه اجرا و اعمال این نظارت در نتیجه رشد و تحول جوامع تغییر می‌یابد. امروزه نهادها، قوه‌ها، احزاب، تشکل‌ها، رسانه‌ها، مطبوعات و... وظیفه امر به معروف و نهی از منکر یا همان مسئولیت همگانی را بر عهده دارند. در حقیقت

هر گاه مردم بخواهند بر مسئولان و حاکمان خود نظارت داشته باشند و آن‌ها را از خطاها و اشتباهات باز دارند به این تشکلهای پیوسته و از طریق آن‌ها اهداف خود را دنبال می‌کنند. مسئولان نیز از طریق سیستم‌ها و فرایندهای پیچیده حکومتی مانند قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون و مقابله با قانون شکنان، این وظیفه را انجام می‌دهند از طرف دیگر باید توجه داشت که در تعالیم اسلامی نیز به این مهم اهمیت ویژه‌ای داده شده است، به نحوی که در متون مقدس اعم از قرآن و روایات به صورت معتابیهی تحت فریضه امر به معروف و نهی از منکر به این مسئله پرداخته شده است.

اصل امر به معروف و نهی از منکر با گستره وسیع، هم ضامن سلامت جامعه از انحرافات و خطاهای کوچک و بزرگ مردم و هم راهی اساسی برای جلوگیری از انحرافات سیاسی-اجتماعی صاحبان قدرت و مکتت است. خداوند برای تحقق این امر، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به مثابه یک تکلیف بر دوش افراد جامعه نهاده است تا همگان در برابر خطاها و اعمال ناپسند یکدیگر اعم از مردم با مردم، مردم با مسئولان و مسئولان با مردم، خود را مسئول دانسته و یکدیگر را از خطاها بازدارند. تاکنون در مباحث فقهی امر به معروف و نهی از منکر غالباً در محدوده روابط فردی مورد بحث و بررسی واقع شده است درحالی‌که این اصل نسبت به رابطه مردم و حکومت نیز کاربرد داشته و از اهمیت و تأثیر به‌سزایی برخوردار می‌باشد.

امر به معروف و نهی از منکر، قانونی طبیعی و برخاسته از سرشت انسانی و سرنوشت اوست که وجود عقل بشری در کنار فطرت وی را به اثبات می‌رساند. گرایش به این سازه دینی-مذهبی در دنیای بشری، بازگشت به فطرت و عقل و طبع اولی انسان‌ها و برخورداری از نظام اصلح و قانون جهان آفرینش و شرع اقدس می‌باشد که به مثابه ارمغان الهی به انسان هدیه شده تا در پرتو آن بتواند مسیر تعالی خویش را هموار سازد و از ورود به وادی‌های انحرافی از جمله بزهکاری امتناع ورزد. در نگرش و دیدگاه شرعی، در مورد توجیه تکوین این نهاد و تأکید قرآن کریم بر اجرای آن بر نکاتی تأکید می‌شود که بیش از هر چیز، نظریه حقوقی اصالت جمع را به ذهن متبادر می‌سازد. از این منظر رمز و راز نهاد امر به معروف و نهی از منکر در این نهفته است که هیچ یک از افراد جامعه از دیگران جدا نیست و راه زندگی و سرنوشت آنان در مسائل اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده است.

بند یک اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌کند تا همه‌امکانات خود را در خصوص «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد

و تباهی» به کار گیرد. درباره امر به معروف و نهی از منکر مسائل و بحث‌های زیادی مطرح است، به عنوان مثال، درباره حوزه امر به معروف و نهی از منکر سوال است که آیا شامل حوزه خصوصی و عمومی به طور مطلق می‌شود و یا تنها شامل یکی از آن دو است، با سیری در آیات و روایات در این باره مشخص می‌شود که حوزه خصوصی صریحاً استثنا شده و به افراد اجازه دخالت در زندگی خصوصی دیگران داده نشده است. برای مثال در آیه ۱۲ سوره حجرات^۱ از هرگونه دخالت و تجسس در کار و زندگی دیگران منع شده است، همچنان که طبق تفسیرهای متعدد، مراد آیه از عدم تجسس در حوزه خصوصی دیگران است. علاوه بر این، از جمله مسائل دیگر در باب اصل امر به معروف و نهی از منکر، چگونگی اجرای آن و حدود و ثغور آن است و این که چه کسانی صلاحیت انجام این وظیفه خطیر را دارند.

۱- رویکرد قانون اساسی در تعیین ضوابط و مصادیق معروف و منکر

یکی از مهم‌ترین چالش‌های عملی امر به معروف و نهی از منکر، تعریف معروف و منکر و تعیین مصادیق آن است. با توجه به دشواری‌هایی که در مقام اجرا وجود دارد، عدم ارائه تعریف روشن و مبهم نهادن مصادیق آن، تبعات نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر تعاریفی که در متون فقهی از معروف و منکر ارائه شده است، تعاریفی کلی بوده که معضل ابهام را بر طرف نمی‌سازد. به عنوان مثال در کتاب «جواهر الکلام» آمده است: «معروف، هر کار خوب و پسندیده‌ای است که از طرف شارع به نیکی توصیف شده و فاعل آن به خوبی و نیکی آن عمل آگاه است و یا به آن (نیک بودن عمل) راهنمایی شده است و منکر هر کار زشت و ناپسندی است که فاعل آن زشتی و قباht آن را شناخته و یا به آن (زشتی عمل) ارشاد و راهنمایی شده است» (نجفی، ۱۳۹۲ق، ۳۵۶).

همچنین با این واقعیت مواجه هستیم که جامعه همواره دچار تغییر و تحول می‌شود. پدیده‌های جدیدی ظهور می‌کند که می‌تواند مصداق معروف یا منکر باشد ولی به دلیل نوپدید بودن آن‌ها در قانون پیش‌بینی نشده است. از همین رو اصرار بر ارائه تعریف قانونی از معروف و منکر و تعیین مصادیق دقیق آن متن قانونی را دچار ناکارآمدی می‌کند. باید در تبیین معروف و منکر به گونه‌ای عمل کرد که از یک سو مفهوم معروف و منکر مبهم نماند و از سوی دیگر آن گونه مضیق تعریف نگردند که مجریان در دعوت به خیر و معروف و در جلوگیری از منکر دچار مشکل گردند.

۱- یا ایها الذین آمنوا اجنبوا کثیراً من الظنِّ انَّ بعضَ الظنِّ اثمٌ وَا تَجَسَّسُوا وَا یَغْتَبِ بَعْضُکُمْ بَعْضاً اَیْجِبُ اَحَدَکُمْ اَنْ یَاکُلَ لَحْمَ اَخِیهِ مِیْتًا فَکَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِیْمٌ

برای این هدف، در نظر گرفتن سه نکته زیر می‌تواند راهگشا باشد. نخست آن که؛ نمی‌توان به دلیل دشواری‌هایی که تعریف قانونی هرچند کلی از معروف و منکر به دنبال دارد، ضرورت وجود متن قانونی را نادیده گرفت. قانون، محل رجوع، به منظور رفع ابهام است. موضوع امر به معروف و نهی از منکر را باید واقع بینانه مورد توجه قرار داد و احتمال ایجاد ابهام و اختلاف را در نظر گرفت و برای رفع آن، پیش‌بینی الزم را ارائه کرد. دوم آن که؛ بنا به دلایل مطرح شده، پیش‌بینی دقیق (مصادیق) معروف و منکر، نه مطلوب است و نه ممکن، چرا که محدودیت غیرمنطقی ایجاد می‌کند و موجبات ناکارآمدی را فراهم می‌آورد. اما به‌عنوان یک راه‌حل میانه می‌توان ضوابطی هرچند کلی را در قانون مورد تأکید قرار داد. ارائه ضوابط روشن از یک سو به تعیین واحصای مصادیق نمی‌انجامد و بنابراین قانون از انعطاف‌پذیری الزم برخوردار می‌گردد؛ از سوی دیگر تعیین ضوابط، به میزان زیادی از ابهام جلوگیری می‌کند. سرانجام؛ برای برون رفت از ابهاماتی که ممکن است در مسیر اجرای اصل هشتم قانون اساسی در مورد تعیین مصادیق معروف و منکر مطرح گردد، پیش‌بینی هیئتی (یا شورا یا کمیته ای) متشکل از کارشناسان مطلع از موازین دینی و واقعیت‌های اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد. البته این هیئت در ارزیابی خود از پدیده‌های اجتماعی به‌ویژه می‌تواند به قوانین مصوب و لازم‌الاجرا به‌ویژه قانون اساسی استناد کند.

۱-۱- منابع شناسایی ضوابط و مصادیق معروف و منکر

علاوه بر متون دینی که بخش عمده‌ای از آن به معرفی معروف و منکر و ضوابط شناسایی آن اختصاص دارد، با مراجعه به اصول مختلف قانون اساسی در می‌یابیم که بسیاری از ضوابط شناسایی معروف و منکر (با الهام از تعالیم اسلامی) در آن مندرج است و در نتیجه می‌توان قانون اساسی را به‌عنوان منبع مناسبی برای تعیین ضوابط و حتی تعیین مصادیق معروف و منکر در نظر گرفت و به آن استناد کرد. همچنین در کنار قانون اساسی، برخی دیگر از قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی را می‌توان سراغ گرفت که قابلیت آن را دارد که برای شناسایی ضوابط و مصادیق معروف و منکر مورد استفاده قرار گیرند. علاوه بر این موارد، می‌توان در قوانین و معاهدات بین‌المللی، در برخی از موارد به مصداق‌های معروف و منکر اشاره کرد که جنبه جهانی داشته و مورد قبول اکثر کشورها است. وجود این قوانین مرتبط، عامل مهمی است که ضرورت احصای مصادیق معروف و منکر را منتفی می‌سازد. مجریان برای این منظور می‌توانند به سایر قوانین نیز مراجعه کنند؛ در ادامه با مرور بر اصول قانون اساسی، بر این موضوع تأکید خواهیم کرد

که هرچند درک صحیح از مصادیق معروف و منکر اهمیت دارد، اما قوانین جمهوری اسلامی در این زمینه، ناتوان از ارائه راهنمایی‌های لازم نیست.

۱-۲- ضوابط و مصادیق معروف و منکر در قانون اساسی

قانون اساسی یکی از منابع مناسب و قابل استنادی برای شناسایی ضوابط و مصادیق معروف و منکر در کنار سایر منابع است که در ادامه به اصولی که می‌تواند در این زمینه راهنما قرار گیرد مرور خواهیم نمود. لازم به توضیح است که مقصود از ذکر این اصول، معروف یا منکر دانستن آن‌ها نیست بلکه صرفاً به‌عنوان منبع شناسایی معروف و منکر در نظر گرفته شده است. این اصول بخشی از مهم‌ترین موارد معروف و منکر در جامعه اسلامی را معرفی می‌کنند و به خوبی نشان می‌دهند که بسیاری از ضوابط و مصادیق تشخیص معروف و منکر در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و از آن قابل استخراج است. همچون قانون اساسی، دیگر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند به‌عنوان منبع تشخیص، مورد توجه قرار بگیرد. نتیجه این که در زمینه اجرای امر به معروف و نهی از منکر، اگرچه تعیین مصادیق معروف و منکر از اهمیت بالا برخوردار است، اما در شرایط فعلی مانع عمده محسوب نمی‌گردد.

در ادامه به ضوابط و مصادیق مورد اشاره در قانون اساسی اشاره می‌کنیم، ذکر این ضوابط به معنای مصداق بودن به‌عنوان معروف و منکر نمی‌باشد بلکه می‌توان با استفاده از این ضوابط و معیارهای کلی به مصداق‌های معروف و منکر در جامعه رسید. البته خود این ضوابط نیز می‌تواند بعضاً به‌عنوان معروف و یا منکر واقع گردد؛ برای مثال حفاظت از محیط زیست می‌تواند به‌عنوان ضابطه برای تعیین مصادیقی همچون حفاظت از حیوانات و جنگل‌ها، عدم تخریب منابع طبیعی، جلوگیری از آلودگی منابع آب و هوا، ساخت وسایل پاک، استفاده از انرژی خورشیدی، بهبود در وضعیت و استانداردهای ساخت اتومبیل به منظور حفاظت از محیط زیست و کاهش تصادفات و تلفات به کار رود؛ هرچند که خود نیز می‌تواند به‌عنوان مصداقی کلی در نظر گرفته شود.

۲- ضوابط و مصادیق معروف و منکر در پرتو قانون اساسی

در این نوشتار به بررسی ضوابط مندرج در قانون اساسی در خصوص مسئله امر به معروف و نهی از منکر خواهیم پرداخت، همچنین در ادامه مهم‌ترین مصادیق مورد اشاره در قانون اساسی در این رابطه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- حقوق اجتماعی

محیط سالم، تعلیم و تعلم، عدالت اجتماعی و استقلال که به عنوان کلی «حقوق اجتماعی» قابل شناسایی است، می‌تواند به عنوان ضابطه‌ای برای تعیین معروف و منکر شناخته شود که در قانون اساسی به آن تصریح شده است؛ چرا که تقویت و حفظ حقوق اجتماعی باعث برابری و عدم فقر در جامعه می‌شود که این خود از مهم‌ترین معروف‌ها و مورد تأکید اصل سوم قانون اساسی می‌باشد. آنچه در این اصل با توجه به اصل دوم به عنوان سیاست‌های اساسی دولت آمده است در عین تعدد و تنوع، نیازمند تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مفصل و زمان‌بندی شده‌ای است که نیل به اهداف مذکور را تسهیل نماید و اصول ایمان و تقوا شرایط لازم برای ایجاد محیط مناسب در رشد فضایل اخلاقی جامعه است. اگر در حال حاضر همه آحاد مردم امکان استفاده از این حق را نداشته باشند در هر حال عملی ساختن آن جزو تکالیف دولت است که باید به فراهم ساختن آن اقدامات لازم را به عمل آورد. تحقق این تکلیف نیز با اتخاذ تدابیر لازم و ایجاد تشکیلاتی در این جهت ضروری است. جای گرفتن حق تأمین اجتماعی در داخل حقوق اجتماعی قانون اساسی موجب توقع عمومی از دولت است که منبث از حق هر فرد بوده دولت نیز مکلف به برآورده ساختن درخواست مزبور می‌باشد. به تعبیر دیگر قانون اساسی، برخورداری از زندگی توأم با عزت و بالندگی مادی و معنوی افراد را به صورت حق و اختیار پذیرفته دولت را نیز مکلف به فراهم ساختن شرایط لازم آن دانسته است. در اصل بیست و یکم قانون اساسی هرچند نامی از تأمین اجتماعی برده نشده لکن افرادی که لزوماً باید از سوی دولت حمایت شوند مورد احصاء قرار گرفته است. علاوه بر آن در شرح بند دوازدهم اصل سوم قانون مزبور نیز ایجاد رفاه و زدودن فقر و رفع هرگونه محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه به نام وظایف دولت ذکر گردیده است (مجتهدی، ۱۳۹۱، ۹۱).

همچنین در اصل چهل و سوم از استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، به عنوان اهداف اقتصادی نظام جمهوری اسلامی یاد شده است. بنابر اصل چهل و هفتم مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. موضوع اساسی اصل نهم قانون اساسی نیز آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور است. اصل دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم به رعایت حقوق پیروان مذاهب دیگر اسلامی و نیز به حقوق اقلیت‌های دینی پرداخته است. بنابر اصل نوزدهم، مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی

برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. به موجب اصل بیستم، همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. امام خمینی (ره) معتقد بود که دولت اسلامی موظف است از حقوق اقلیت‌های دینی و همچنین سایر اقلیت‌ها دفاع کرده و به بهترین وجه از آنان نگهداری کند و اقلیت‌ها می‌توانند از آزادی انجام فرائض دینی و استفاده از تمام حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند (جمشیدی، ۱۳۸۸، ۲۵۹).

برای تعیین مصادیق معروف و منکر در جمهوری اسلامی ایران، مبنا موازین اسلامی خواهد بود. هر آنچه که مطابق با اسلام باشد معروف است و آنچه مخالف با آن باشد منکر می‌باشد. در اصل چهارم بر ضرورت توجه به موازین اسلامی به‌عنوان مبنا و معیار کلیه قوانین جمهوری اسلامی توجه شده است. انتخاب حکومت جمهوری اسلامی توسط مردم، نظام سیاسی کشور را مقید به اصول و موازینی نموده است که راهنمای جامعه و حاکم بر رفتار فرمانروایان و فرمانبران می‌باشد. حاکمیت اسلام و فعلیت یافتن احکام اسلامی از طریق حکومت جمهوری اسلامی میسر بوده و کلیه قوانین و مقررات می‌باید مطابق اصول شرعی، تنظیم و تضمین شوند و تشخیص این مطابقت با فقهای شورای نگهبان می‌باشد. علاوه بر آن در اصل هشتم به امر به معروف و نهی از منکر توجه شده است.

امر به معروف و نهی از منکر از پایه‌های اساسی و بنیادین اسلام به شمار می‌آید که اگر به درستی در جامعه اجرا شود آثار و برکات زیادی در پی دارد؛ همچون انجام واجبات، ایجاد امنیت و برطرف شدن مفاسد در جامعه. وجود این آثار به دلیل تأثیر و اهمیت اجرای این نهاد در جامعه است؛ زیرا با عمل به این واجب سایر احکام الهی احیاء و اجرا می‌گردد. اجرای این امر در جامعه اسلامی، یک وظیفه اجتماعی محسوب می‌شود که بر اساس آن، هر کس وظیفه دارد در حد توانایی خود، به انجام آن اقدام کند. اما اجرای این عمل به صورت‌های گوناگون صورت می‌گیرد؛ از قبیل امر و نهی دولت بر مردم، مردم بر دولت و مردم بر مردم. از آن رو که در بسیاری از مبانی فقهی و حقوقی، شارع و قانون‌گذار، متولی این امر را عموم افراد و گاهی گروه خاصی قرار داده است، همین سبب وجود برخی اختلافات گردیده و حال آن که اجرای این امر از سوی هر یک از این دو نهاد نیز مستلزم رعایت احکام و مراتب وارد شده در باب امر به معروف و نهی از منکر است. قابل ذکر است که در فصل سوم با عنوان حقوق ملت اصولی آمده است که می‌تواند در تشخیص ضوابط و مصادیق معروف و منکر به کار آید.

۲-۲- ولایت مطلقه فقیه و آراء عمومی

یکی از معیارهای اساسی برای تعیین معروف و منکر شناخت ولایت مطلقه فقیه و حدود اختیارات و وظایف اوست؛ چنانکه در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، حکم حکومتی را معیاری برای تعیین معروف و منکر دانسته است. اصول پنجم و ششم، جایگاه حیاتی و مهم امام و امت را یادآور می‌شود. مشورت و مشارکت نیز از زمان قدیم به‌عنوان عنصری برای تحدید قدرت حکومت و به‌عنوان ابزاری برای شناخت معروف و منکر به کار می‌آید. اصل هفتم، به مشورت و مشارکت در تصمیم‌گیری و اداره امور کشور می‌پردازد. مفهوم اسلامی شورا بدین قرار است که شورا به‌عنوان یکی از ارکان نظام اسلامی محسوب می‌شود. خداوند در قرآن کریم، شورا را مبنای اصلی سلوک و رفتار متقابل مردم دانسته و آن را به‌عنوان یکی از خصائص برجسته مؤمنان و در ردیف اطاعت امر خدا و بر پا داشتن نماز قرار داده است تا بدین ترتیب، راه خود محوری و استبداد بر روی افراد بسته شود (وکیل و عسکری، ۱۳۸۷، ۸۵).

مبنای حقوق اساسی ایران، همانا آئین اسلام است. لذا اصول قانون اساسی بر این مبنا تنظیم گردیده و باید بر همان مبنا تقسیم گردد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد قانون اساسی جمهوری ایران، حاکمیت خداوند و نیز حاکمیت انسان را مورد شناسائی قرار داده و در عین حال منشاء حاکمیت انسان را همانا خواست و مشیت الهی می‌داند. بنابراین حاکمیت ملی در محدوده حاکمیت و شریعت الهی مشروع می‌باشد. هر یک از این دو حاکمیت در اصول دیگری از قانون اساسی نیز مطرح شده است. بر مبنای جهان بینی توحیدی، از آن جا که خداوند مالک تمام هستی است^۲ سر رشته و اختیار هستی نیز به دست اوست^۳ و شخص مؤمن که برای خداوند چنین منزلتی قائل است، همواره او را ولی و اختیاردار خود می‌داند.^۴ کسی که این حقیقت را که غیر از او هیچ ولی و صاحب اختیاری وجود ندارد، درک کرده باشد، خود را در سایه سار ولایت او قرار می‌دهد و خداوند نیز ولایت خاص خویش را از او دریغ نمی‌کند^۵، چنین کسی این حقیقت را دریافته است که خداوند بهترین موال است^۶ و اگر او را به ولایت

۲- لِّلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

۳- فَاَللّٰهُ هُوَ الْوَالِي

۴- اَنْتَ وَّلِيٌّ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

۵- اللّٰهُ وَّلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

۶- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِيُحِبِّ اللّٰهُ وَاٰلَآءَ الرَّسُوْلِ وَرِجَالَهُمْ كَمَا حَبَّ بِلٰهِمْ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ

خود برگزیند، از هر مولایی دیگری، بی‌نیاز است. کسی که به این بینش توحیدی دست یابد، از شخصیت ممتاز و روح مقتدری برخوردار خواهد بود. در مقابل، کسی که ولایت خداوند را در عمل نپذیرفته و از مسیر حق خارج شده است، بی‌پناه خواهد ماند و فرمانبرداری از غیر خداوند به هر شکل و اندازه که باشد نقض ولایت خداوندی است؛ نشانه پذیرش ولایت خداوند در عرصه فردی تن در دادن به احکام اوست و در صحنه اجتماع نیز، دل نبستن به غیر قانون الهی است.

مبنای هر گونه تصمیمی در جامعه مؤمنان باید خدا و احکام او باشد و باید هر گونه اختلاف با رجوع به دین خدا حل و فصل شود. اجرای قانون در مورد دیگران نوعی دخالت در حیطه اختیار آنان است. از این رو به صرف این که قانون برگرفته از دستورات دینی است کافی نیست تا هر کس بتواند آن را در مورد دیگران به اجرا درآورد. از دید امام خمینی (ره) اصولی چون برائت و اباحت، بر احکام شریعت و لذا بر قانون تقدم دارند. بر همین اساس می‌توان دریافت که آزادی انسان بر قانون تقدم دارد و نمی‌توان به بهای قانون، آزادی مردم را محدود یا منتفی ساخت. بر اساس ارتباط دو مسئله اساسی یعنی آزادی مردم و قانون یا شرع در دیدگاه امام و این که شرع و قانون نیز جز در پی تأمین آزادی واقعی و راستین انسان و رساندن او به سعادت دو جهان نیست؛ قانون شرع محدودیت‌هایی را برای بشر وضع کرده ولی این محدودیت‌ها در جهت تأمین اخلاق عمومی و سعادت اخروی و دنیوی انسان و رهایی او از نفس و غیر است؛ پس در اساس مغایرتی با آزادی ندارد. در چهارچوب قانون شریعت، انسان آزاد است بدین معنا که قانون شریعت جلوی فساد، ناامنی، فسق، جاسوسی، تفتیش عقاید و خیانت را می‌گیرد یا به طور کلی مانع هر آنچه مضر به حال ملت و به حال فرد است، می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۸۸، ۲۶۳).

۲-۳- قداست خانواده

جامعه بزرگ انسانی از واحدهای کوچک‌تری شکل می‌گیرد که قدیمی‌ترین و طبیعی‌ترین آن خانواده است که از آغاز زندگی بشر وجود داشته است. خانواده هسته مرکزی اجتماع است که کانون حفظ سنن ملی و مرکز رشد عواطف و احساسات است. این واحد همانند سنگ بنای اول ساختمان اجتماع است که هر چه از استحکام بیشتری برخوردار باشد، به استحکام بیشتر جامعه منجر خواهد شد. لذا خانواده در حفظ و گسترش قدرت ملی و از آن سو انحطاط تباهی ملت‌ها نقش اساسی دارد؛ چنانکه به لحاظ اهمیت خانواده در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است. قرآن کریم پس از فرمان به پرستش خداوند و نهی از شرک ورزیدن، به احسان و نیکی کردن به پدر و مادر فرمان می‌دهد (نساء، ۳۶)

۷. تأثیر دودمان و خانواده بر نسل‌های بعدی با گسترش علوم تربیتی به‌ویژه بحث گسترده «وراثت یا عوامل ژنتیکی» امروزه غیرقابل انکار است که انسان وارث خصوصیات اخلاقی و روحی و جسمی نیاکان خویش است. وراثت به یک معنا همانندی فرع با اصل خویش در ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری و هوشمندی است. «ازدواج» سنت تغییرناپذیر الهی است که در قرآن نه تنها به انسان، بلکه به همه موجودات نسبت داده شده است (ذاریات، ۴۹) ^۸.

دقت در آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد که خانواده در اسلام به‌عنوان کانون پدیدآورنده آرامش و مهربانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده، در این میان نقش والدین و تأثیر خاندان و تأثیرات نسل‌های گذشته، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. این موضوع در رشته‌ها و علوم متعددی از قبیل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، علوم تربیتی، مورد توجه است. همچنین بررسی اصل ازدواج در آیات و روایات ما را به اصولی همچون «آرامش بخشی ازدواج» بر اساس مودت و رحمت، «حراست از کرامت انسانی»، «توسعه اقتصادی و برکت»، «تداوم و استمرار نسل انسان»، «مصونیت بخشی از احساس گناه یا بهداشت روانی» رهنمون ساخته، اهمیت بیش از پیش ازدواج را نمایان سازد. لذا بایسته است با حفظ حریم خانواده و تشویق به ازدواج و پرهیز از بی‌بندباری و تسهیل ازدواج از تزلزل بنیاد اصیل خانواده و فروپاشی نظام ارزشی جامعه جلوگیری شود و زمینه رشد و تعالی شجره طیبه انسانی فراهم آید تا جامعه از شر شجره خبیثه مصون نگه داشته شود.

۲-۴- وحدت جهان اسلام

هر آنچه در چهارچوب شرع به وحدت و همبستگی جهان اسلام و حفظ آرمان‌های آن‌ها کمک کند، می‌تواند به‌عنوان معروف تلقی گردد و هر آنچه برخلاف آن باشد منکر است. در اصل یازدهم، به کوشش پیگیر برای تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام توجه شده است. به حکم آیه ^۹ ۹۲ سوره انبیاء همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. همچنین در اصل پانزدهم تا هجدهم به جایگاه زبان پارسی،

۷- وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

۸- وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

۹- إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

یادگیری زبان عربی به‌عنوان زبان قرآن، تاریخ هجری و روز جمعه و پرچم ایران به‌عنوان نمادهایی از هویت اسلامی و ایرانی یاد شده است که رعایت این موارد می‌تواند به وحدت هرچه بیشتر بیانجامد.

۲-۵- مصونیت حریم خصوصی

ضرورت رعایت حریم خصوصی افراد توسط حکومت جمهوری اسلامی ایران با استناد به آیات قرآن از جمله آیات ۲۷^۱ و ۲۸^{۱۱} سوره نور که اشاره به حریم خصوصی مکانی دارد و همچنین تأکید روایات بر ممنوعیت تجسس در امور دیگران روشن است. حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ یعنی پس از گذشت نزدیک به چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای را خطاب به ارگان‌های قضایی، اجرایی در مورد اسلامی شدن عملکردها صادر کردند که مهم‌ترین سند در رابطه با حریم خصوصی در ایران است. نکته قابل توجه این است که در غرب، زمانی که دچار مشکلات امنیتی می‌شوند، اولین قربانی، حریم خصوصی شهروندان است، چنانچه پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ شنود مکالمات شهروندان توسط دولت ایالات متحده امریکا تجویز شد. در اروپا پیش از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به موجب الزام دستورالعمل شورای اروپا، تمام کشورهای اروپایی موظف به تصویب قوانین خاص در خصوص حمایت از حریم خصوصی شدند، لکن پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ این روند نه تنها متوقف شد، بلکه معکوس شد (جعفری، ۱۳۸۴، ۲۲۰)؛ اما حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ و در اوج مشکلات امنیتی کشور و مسائل خاص جنگ تحمیلی و تحرکات منافقین، فرمان هشت ماده‌ای خطاب به ارگان‌های قضایی، اجرایی در خصوص حمایت از حریم خصوصی شهروندان صادر فرمودند.

در یک جامعه دموکراتیک، مهم‌ترین مسئله پاسداشت و تضمین اجرای حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌باشد. حقوق و آزادی‌های عمومی مجموع امتیازهایی است که افراد در جامعه از آن بهره‌مند می‌شوند و در واقع برای افراد نوعی استقلال و خودباوری می‌بخشد تا از آن طریق وسایل ترقی و پیشبرد خود را در راه رسیدن به اهداف متعالی مهیا نمایند و رشد شخصیت خود را تکامل بخشند. امروزه، در قوانین اساسی اکثر کشورها حقوق و آزادی‌های ملت درج و اعلام گردیده است و عنوان می‌شود که چنانچه حقوق افراد ذکر نشود قانون اساسی مزبور دموکراتیک نمی‌باشد. حقوق و آزادی‌های ملت قابل احصاء نیست و موارد زیادی را شامل می‌شود: حق زندگی، آزادی رفت و آمد، آزادی مسکن، آزادی در

۱۰- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۱۱- فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا أَعْدَاءً فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

زندگی خصوصی، مصونیت مکاتبات، مکالمات و اسرار شخصی، آزادی دفاع، حق دادخواهی، آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات، آزادی اطلاعات، آزادی مذهب، سینما، آزادی سیاسی، آزادی کار و شغل، آزادی مالکیت، برابری و...

اعلام حقوق و آزادی‌ها در قوانین اساسی به تنهایی نمی‌تواند تضمینی برای اجرای آن‌ها باشد، بدین منظور برای اجرای حقوق شهروندان و پاسداشت آزادی‌های مشروع نیاز به مکانیسم‌ها و ابزارهایی است که آن‌ها را تضمین نماید، در ورای این تضمین‌ها عواملی وجود دارند که نقشی اساسی و تعیین‌کننده بر اجرای حقوق و آزادی‌ها را دارد. مهم‌ترین موضوع حاکمیت قانون و گسترش قانونمندی در سطح جامعه و در تمام امور کشور می‌باشد. استقلال قضایی نیز رهیافتی بر اجرای حقوق و آزادی‌ها می‌تواند باشد. تفکیک قوا و تقسیم قدرت به مراکز متعدد موجب می‌گردد تا هیچ قوه‌ای تحت سلطه قوه دیگر نبوده و هر کدام وظیفه خود را در راه حفظ منافع جامعه به انجام رسانند. دموکراسی و نمادهای آن، عامل مؤثر در پاسداری حقوق مردم می‌باشد، در یک جامعه دموکراتیک با وجود احزاب و گروه‌های گوناگون (که هر کدام داعیه حفظ حقوق ملت دارند) و با وجود تنوع اندیشه‌ها و افکار می‌توان امید داشت که حقوق ملت به بهترین صورت اجراء گردد.

در اصل بیست و ششم بر آزادی احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، مشروط بر عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی تأکید شده است و نیز این که هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور کرد. همچنین بنابر اصول بیست و هفتم، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلامی نباشد آزاد است. در اصول بیست و هشتم تا سی و یکم بر مواردی همچون حق انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان، داشتن مسکن مناسب تأکید شده است.

۲-۶- امنیت قضایی

یکی از مهم‌ترین معیارها و مصداق‌های امر به معروف و نهی از منکر، امنیت قضایی برای شهروندان است. در جایی که امنیت قضایی لازم برای شهروندان یک دولت قابل تصور نباشد و یا بتوان به آن خدشه وارد نمود، علاوه بر آن که خود، یک منکر بزرگ است؛ زمینه را برای تحقق منکرات دیگر نیز می‌گشاید و زمینه تضییع حقوق شرعی شهروندان را فراهم می‌آورد. اصول متعددی بر حق امنیت قضایی مردم دلالت

دارد. معنای امنیت قضایی این است که افراد یک کشور، احساس کنند که بی دلیل و برخلاف قانون تحت تعقیب و پیگرد قرار نمی گیرند و به بهانه های واهی، حکم دستگیری، جلب و احضار آنها صادر نمی شود و مادامی که دلیلی بر مجرمیت نباشد، مجرم به حساب نمی آیند و نیز افراد یک کشور، باور داشته باشند که در صورت اتهام و دستگیری؛ برخوردها، بازجویی ها، محاکمات و داوری، کاملاً انسانی و بر اساس قانون خواهد بود و هر فرد حق دارد جهت اثبات براءت خود، وکیل بگیرد و حتی در صورت عدم تمکن فرد برای گرفتن وکیل، امکانات تعیین وکیل را برای وی فراهم می سازند و از این بالاتر، حتی در صورت ارتکاب جرم و اثبات مجرمیت؛ بازجویی، محاکمه و مجازات، در محدوده قانون خواهد بود و از شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات و اجبار به شهادت، اقرار یا سوگند و نیز هتک حرمت و حیثیت خبری نخواهد بود و برای رعایت حقوق افراد، بر رسیدگی و صدور حکم توسط دادگاه نیز باید اصولی حکمفرما باشد که حق برخورداری از اصول دادرسی منصفانه نامیده می شود (عباسی، ۱۳۹۰، ۲۱۷).

اصولی از قانون اساسی که مبین این قواعد هستند عبارتند از: اصل سی و دوم و در اصول بعدی نیز به آن اشاره شده است از جمله در اصل سی و سوم، همچنین در این باره اصول سی و چهار تا سی و نهم را می توان نام برد. اما در ادامه به حقوق و آزادی های مبتنی بر امنیت قضایی اشاره می گردد.

۱-۲-۶- حق دادخواهی

اسلام بر اساس تعالیم عالی خود، افراد جامعه را به مساعدت و همکاری با یکدیگر دعوت می کند و احساس مسئولیت اجتماعی و همدردی با هموعان را نشان رشد معنویت و تقوای یک مسلمان می داند و جامعه ایده آل از نظر اسلام؛ آن جامعه ای است که همه مسلمانان در سود و زیان و غم و شادی هم شریک باشند. بنابراین هر کس مورد ستم واقع شده یا بر مشکلی گرفتار آمده است؛ بر مسلمانان حق دادخواهی و مساعدت دارد اگرچه امروزه محاکم قضایی و دادگاه های حقوقی برای همین منظور سازمان یافته اند، لکن این امر تکلیف را از بقیه ساقط نمی کند و همه مسلمانان وظیفه دارند در صورت مراجعه یا اطلاع از مشکلات برادران هم نوع خود، همه تلاش و کوشش خود را به کار گیرند (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۴، ۴۱۶).

یکی دیگر از عوامل احساس امنیت قضایی، این است که افراد یک کشور، حق داشته باشند دادخواهی کنند و به دادگاه های صالح، جهت طرح شکایت و اقامه دعوا مراجعه نمایند و این گونه دادگاه ها در دسترس ایشان باشند. چرا که بدون وجود دادگاه و حق دادخواهی، تحقق امر به معروف و نهی از منکر تقریباً محال خواهد بود. لذا در آن هنگام هیچ فردی نخواهد توانست جلوگیری از وقوع

منکر کند و این مورد باعث سوءاستفاده در مقام اجرا خواهد شد و کار به خصومت‌های شخصی می‌انجامد. اصول مختلف فصل سوم قانون اساسی که به حقوق ملت اختصاص دارد، مانند اصول سی و دوم تا سی و نهم، مربوط به امنیت قضایی است. دادخواهی یعنی این که اگر کسی مورد ظلم و تعدی واقع شد حق و توان دادخواهی و مراجعه به مقام‌های صلاحیت دار قانونی را داشته باشد تا با استمداد از آن‌ها، بتواند حقوق از دست رفته اش را استیفاء کند و متجاوزان نیز به سزای اعمال خود برسند. این حق مسلم همه مردم ایران اعم از مسلمان و غیرمسلمان است.

۲-۲-۶- حق انتخاب و کیل

حق انتخاب و کیل را می‌توانیم به نوعی معروف تلقی کنیم، زیرا همه شهروندان از قوانین و شیوه دفاع اطلاع کافی ندارند و ممکن است از این طریق ظلمی به آن‌ها روا داشته شود و ظلم نیز از بزرگ‌ترین منکرات است. از این رو، اصل سی و پنجم قانون اساسی به آن‌ها اجازه داده است که برای دفاع از خود و حقوق خود، و کیل انتخاب کنند و در صورت عدم توانایی، امکان تعیین آن برای شان فراهم گردد.

۳-۲-۶- اصل برائت

اصل برائت در حقوق بدین معنی است که، باید بنا را بر بی‌گناهی افراد گذاشت تا این که با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم کسی در یک مرجع صالح قانونی ثابت شود (وکیل و عسکری، ۱۳۸۷، ۱۳۶). فرض قانون‌گذار بر این است که هیچ کس را نمی‌توان مجرم دانست، مگر این که جرم او در دادگاه صالح، اثبات شود و تا زمانی که جرم متهم در دادگاه ثابت نشود، هیچ کس حق هتک حرمت و حیثیت او را ندارد و اگر چنین شود، آبروی مسلمان و انسان در خطر می‌افتد و این خود از بزرگ‌ترین منکرها است.

۴-۲-۶- اصل مستند بودن حکم قاضی

قاضی نمی‌تواند حکم خود را بدون استناد صادر کند. تمام احکام دادگاه‌ها باید مستند به قانون و احکام شرع باشد، در غیر این صورت فاقد اعتبار قانونی و اجرایی است. ملاک آن، عدم ظلم و ستم و تضییع حقوق است که همگی منکر هستند. در اصل یکصد و شصت و ششم و اصل یکصد و شصت و هفتم در این خصوص تأکید شده است.

۵-۲-۶- اصل جرم شناخته شدن عمل از نظر قانون

این اصل را می‌توان روی دیگر اصل برائت دانست. چنانکه اصل برائت و اصل جرم شناخته شدن عمل از نظر قانون را دو روی یک سکه دانست؛ زیرا تا زمانی که از دید قانون‌گذار عملی جرم تلقی نشود، فرد

بری خواهد بود و انجام هر عمل دیگری غیر از موارد مصرح در قانون محکوم به براءت است. بنابراین اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. فلذا هیچ فعل یا ترک فعلی جرم محسوب نمی‌شود مگر این که آن فعل یا ترک فعل بر اساس قانون جرم شناخته شود. از این رو، هیچ دادگاه یا قاضی‌ای حق صدور حکم یا اجرای مجازات برای انجام کاری که در قانون جرم شناخته نشده باشد را ندارد. حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۶-۲-۶- اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین

اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین از پایه‌های حقوق به شمار می‌رود. به گونه‌ای که این اصل در حقوق خصوصی، حقوق جزا، حقوق عمومی و حتی در اسناد بین‌المللی به‌عنوان وسیله اثبات حق از اهمیت خاصی برخوردار است. عدم رعایت این اصل در رویه قضائی دادگاه‌های مدنی، جزائی و اداری نیز به‌عنوان مبنایی جهت کنترل قضائی و ابطال اقدامات ناشی از نقض اصل به شمار می‌رود و چنانچه مراجع قضائی تالی در روند رسیدگی به دعاوی اعم از مدنی، کیفری، اداری مرتکب بی‌توجهی نسبت به اصل مبحث فیه شوند مراجع قضائی عالی که نظارت عالی بر عملکرد و مراجع تالیه دارند موظف‌اند در جهت نقض رأی صادره و صدور حکم مقتضی دایرمدار اصل معمول دارند. علاوه بر توجه به این اصل در بعد داخلی حقوق ایران و در بعد بین‌المللی قواعد ناظر بر این اصل لزوم احترام به آن را همواره مورد تأکید قرار داده است. هرگاه فعل یا ترک فعلی به موجب قانونی جرم نباشد و یا در قانون از آن ذکر نشده باشد، نمی‌توان به موجب قانونی که پس از ارتکاب چنین اعمالی تصویب می‌شود، افراد را محاکمه و مجازات کرد (بخشی زاده اهری، ۱۳۹۲، ۱۳).

۶-۲-۷- اصل علنی بودن محاکمات

یکی از تضمینات مهم امنیت قضایی، علنی بودن دادرسی است. منظور از علنی بودن جلسه دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند. برخی حکومت‌ها برای سرکوب مخالفان خود، آن‌ها را به میز محاکمه کشانده و محاکمه می‌نمایند. البته ممکن است نتیجه دادگاه به ضرر حکومت باشد که سرّی بودن محاکمات مانع افشای حقیقت شده و

حتی ممکن است که موجب بی‌اعتمادی به حکومت و انحراف دولت گردد. علنی بودن محاکمات می‌تواند جنبه ارشادی نیز داشته باشد؛ به این ترتیب که با مشاهده و یا اطلاع از احکام قاطع و عبرت آموز و ترس از عقوبت، ترمذ از قوانین و تجاوز به حقوق دیگران را به نحو قابل توجهی تقلیل می‌دهد و در واقع علنی بودن دادرسی مخصوصاً در امور جزائی، وسیله‌ای است برای نظارت عمومی بر محاکم و تضمین رعایت حقوق افراد و انجام محاکمه به طور مخفیانه و در اتاق بسته، نگرانی عدم رعایت صحیح قانونی و اجرای تضمینات لازمی برای احقاق حقوق اصحاب دعوا و متهمین را در بردارند؛ از این رو غیرعلنی بودن محاکمات امر استثنایی است که در موارد خاص با تصمیم دادگاه امکان‌پذیر است.

اصل علنی بودن دادرسی مانند سایر اصول مهم دادرسی‌های کیفری علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده است. در محاکمات عادی شرط علنی برگزار شدن محاکمات این است که موضوع دعوی منافی عفت و برخلاف اخلاق حسنه نباشد و همچنین محل امنیت یا احساسات مذهبی نبوده و در امور خانوادگی نیز درخواستی از طرفین مبنی بر غیرعلنی بودن نباشد. اگرچه اصل علنی بودن دادرسی به‌عنوان تضمینی برای قضای شایسته شمرده می‌شود، در عین حال باید پذیرفت که حفظ اسرار قضاوت شوندگان در بعضی امور می‌بایست یا بهتر است مورد توجه قرار گیرد. در این موارد (مخصوصاً در دعاوی خانوادگی و امور مربوط به زندگی خصوصی افراد) منافع اصحاب دعوا ایجاب می‌نماید که حضور دیگران در دادگاه مجاز نباشد. از سوی دیگر، علنی بودن جلسات دادرسی، مخصوصاً در امور کیفری می‌تواند برخلاف فلسفه وجودی آن اعمال نماید. در حقیقت، گاه نفس علنی بودن جلسه دادگاه موجب بروز بی‌نظمی در دادگاه گردیده که همواره با برخی شرایط دیگر می‌تواند شفافیت دادرسی و بی‌طرفی قاضی را در مخاطره قرار دهد.

از این رو قابل انتظار است که در نظام‌های حقوقی که اصل مزبور پذیرفته شده، استثنائاتی در عین حال بر آن وارد شده باشد. در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ اصل علنی بودن دادرسی و استثنائات آن در امور مدنی، پیش‌بینی نشده است. بنابراین استثنائات آن نیز با توجه به اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی باید در نظر گرفته شود. در هر حال تشخیص منافات علنی بودن جلسه با عفت عمومی یا نظم عمومی با دادگاه است؛ اما در دعاوی خصوصی در صورتی که طرفین دعوا در خواست کنند، دادگاه مکلف است دادرسی را به طور سری برگزار کند (هاشمی، ۱۳۸۵، ۵۰۶).

۳- ضوابط و مصادیق معروف و منکر در قوانین دیگر

در کنار قانون اساسی، برخی دیگر از قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی را می‌توان سراغ گرفت که قابلیت آن را دارد که برای شناسایی ضوابط و مصادیق معروف و منکر مورد استفاده قرار گیرند. از جمله این قوانین می‌توان به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و به‌ویژه کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و فصل جرایم رایانه‌ای آن مصوب ۱۳۸۸، اشاره کرد. اموری همچون امنیت داخلی و خارجی، مقدسات مذهبی، حفاظت از اموال تاریخی و فرهنگی، انجام وظایف قانونی، حفظ حرمت اشخاص، حفظ عفت و اخلاق عمومی، صداقت و رازداری، امانتداری، حفاظت از اموال عمومی و حیوانات، رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی و حفظ حریم و اطلاعات افراد در فضای مجازی را می‌توان به‌عنوان مصادیق معروف در قانون مجازات اسلامی ذکر کرد؛ همچنان که می‌توان مواردی از قبیل زنا، لواط، تفریض و مساحقه، قوادی، قذف، سب نبی (ص)، مصرف مسکر، سرقت، محاربه، بغی و افساد فی الارض، قتل، ضرب و شتم، تقلب و جعل و تزویر، تخریب و اتلاف اموال عمومی، هتک حرمت اشخاص و اموال، جرایم رانندگی و رایانه‌ای را نمونه‌هایی از منکرها دانست.

برای روشن‌تر شدن موضوع می‌توان ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی موجود است را به‌عنوان مثالی برای تعیین معروف و منکر ذکر کرد؛ همچنین در مورد جرایم رایانه‌ای و مصادیق معروف و منکر آن، می‌توان به ملاک ماده ۷۳۹ قانون مجازات اسلامی در فصل جرایم رایانه‌ای مراجعه کرد؛ در این ماده به خطر افتادن امنیت و آسایش عمومی، معیاری برای جرم‌انگاری قانون‌گذار در رابطه با فضای مجازی بوده است.

۴- فرایند قانونی امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اموری که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر باید در مورد آن ابهام زدایی صورت بگیرد، فرایند اجرای اصل هشتم قانون اساسی است. این مسئله از آن جهت دارای اهمیت است که اجرای نادرست امر به معروف و نهی از منکر، خود یک منکر تلقی می‌شود که ممکن است به تضییع حقوق مادی و معنوی دیگر افراد منجر گردد. به این دلیل از عنوان «فرایند قانونی» یاد می‌کنیم که لازم است در راستای دفاع از حقوق افراد و اجرای درست امر به معروف و نهی از منکر، ضوابط لازم الاجرا به درستی و دقت در متون قانونی مورد تصریح قرار گیرد.

تعیین ضوابط و فرایند اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مورد نحوه اعمال نظارت، پیگیری و ارائه گزارش‌های عمومی از اهمیت ویژه برخوردار خواهد بود؛ چرا که در این موارد از یک سو با حقوق افراد مواجه هستیم و از سوی دیگر با حقوق و وظایف دیگر نهادها و شخصیت‌های حقوقی. قطعاً انتخاب رویکرد «متمرکز» یا «غیرمتمرکز» در اجرای اصل هشتم قانون اساسی، در طراحی فرایند امر به معروف و نهی از منکر، مؤثر خواهد بود؛ اما در هر صورت فرایند و تشریفات پیگیری امر به معروف و نهی از منکر نباید به گونه‌ای تعیین شود که زمینه ساز تداخل در اجرای وظایف با اختیارات و مسئولیت‌های دیگر نهادها گردد. از دیگر اموری که باید از طریق قانون نسبت به آن‌ها ابهام زدایی صورت گیرد، معین بودن محدودیت‌های قانونی است. در این مورد نیز همچون تعیین مصادیق معروف و منکر منابع قانونی وجود دارند که لازم الاجرا هستند. بنابراین در تدوین آیین‌نامه‌ها و تعیین نحوه و مبنای نظارت و پیگیری اجرای اصل هشتم قانون اساسی باید مورد توجه قرار گیرد.

همچنین این نکته قابل توجه است که محدودیت‌های اجرای اصل هشتم خود می‌تواند الهام بخش تعیین برخی مصادیق منکر نیز واقع گردد. این محدودیت‌ها را می‌توان به طور خاص در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مشاهده کرد. اگر به صورت عمیق نگریسته شود، خواهیم دید که اموری همچون حریم خصوصی و به طور عام حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی که در اسلام نیز پذیرفته شده‌اند، مبنایی برای تعیین معروف و منکر و شمول آن‌ها هستند؛ چرا که در صورت خدشه و عدم رعایت این حقوق، زمینه برای وقوع منکرات تسهیل خواهد شد و زمینه‌سازی برای اجرای هرچه بهتر این حقوق و حفاظت از آن‌ها در چهارچوب شرع مقدس اسلام، خود از مصادیق معروف خواهد بود.

حقوق اساسی مبین دیدگاه کلان حاکمیت به نحوه حکمرانی و اداره امور شهروندان با اجرای قواعد حقوقی است. این قواعد با دو رویکرد مهم حقوقی مواجه است. حقوق شهروندی و حق حاکمیت دولت. هنر حقوق اساسی در این است که بین این دو رویکرد تعادلی منطقی برقرار سازد. بر اساس این منطق، یکی از عمده‌ترین مباحث حقوق اساسی هر جامعه، حقوق افراد و تعیین محدودیت قدرت زمامداران است که از آن با عنوان «حقوق و آزادی‌های اساسی» یا «حقوق و تکالیف حکومت و افراد» یاد می‌کنند. در بین مکاتب مختلف دو نگرش اصالت فرد و اجتماع به‌عنوان دو محور اساسی، مورد پذیرش قانون‌گذاران قرار گرفته و متون مربوطه اغلب کشورها، با قبول اصالت یکی از این مکاتب مبنای حقوق آن کشور، قرار گرفته و بر اساس آن این حقوق تعریف شده‌اند. لذا از آن جایی که یکی از بخش‌های

مهم قانون اساسی هر کشوری، بخش حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است، این بخش مهم‌ترین رکن هر قانون به شمار می‌آید، زیرا در این بخش است که اسب سرکش قدرت با لجام قانون اساسی محدود می‌شود و رابطه افراد با دولت مشخص می‌گردد.

بر این مبنا حقوق ملت، از مباحث محوری نظام‌های سیاسی است که در قانون اساسی نظام‌های سیاسی بر آن تأکید می‌شود و کشورهای مختلف جهان می‌کوشند آن را سرلوحه قانون اساسی و درخشان‌ترین فصل آن قرار دهند. به همین دلیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول متعددی را به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده است. از آن جایی که آزادی از محورهای اساسی و از آرمان‌ها و اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران بوده است، این هدف که در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تجلی یافته بود، پس از پیروزی انقلاب، در قانون اساسی آن متبلور شد. در واقع می‌توان گفت قیام و انقلاب بزرگ مردم ایران در راستای آزادی خواهی و «نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه پذیری» و استقلال و تأسیس جمهوری اسلامی، قابل تحلیل و بررسی است. قانون اساسی مذکور به‌عنوان مهم‌ترین محور قوانین در تعیین و تعریف حدود آزادی‌های فردی، از یک سو، حدود مرز آزادی افراد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر، حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق فردی ترسیم می‌کند. این قانون که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران است، در کنار تعیین و تعریف حدود آزادی‌های ملت، متضمن تأمین حقوق و آزادی‌های فردی ایشان نیز هست.

نتیجه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده است. این که امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یکی از اصول قانون اساسی مطرح شده به دلیل آن است که امر به معروف و نهی از منکر در دین مبین اسلام جایگاهی مهم و رفیع دارد. از این جهت طبیعی است که از ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون همیشه دغدغه، نگرانی و به تبع آن عزمی برای ترویج و تثبیت امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک فریضه دینی در فرهنگ عمومی و رفتار مردم جاری و حاکم بوده است.

اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را یک «وظیفه همگانی» می‌شمارد. بنابراین در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک وظیفه قانونی برآمده از تعالیم و احکام اسلامی است و باید شاهد اجرای آن باشیم. بنابر آنچه در اصل هشتم آمده است، امر به معروف و نهی از منکر باید در سه بُعد «مردم نسبت به یکدیگر»، «دولت نسبت به مردم» و «مردم نسبت به دولت» اجرا شود. تعیین ابعاد سه‌گانه اجرای امر به معروف و نهی از منکر، از این اهمیت برخوردار است که مبنای مناسبی برای قانون‌گذاری، نهادسازی و برنامه‌ریزی فراهم خواهد آورد. اصل هشتم قانون اساسی با احاله تعیین شرایط و حدود و کیفیت امر به معروف و نهی از منکر به قانون، راهکار مهمی را در رفع ابهامات مسیر اجرا مشخص کرده است. بر این اساس تعیین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، سازمان و نهاد عمل‌کننده، مجریان و شیوه عملکرد از مهم‌ترین اموری هستند که قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نسبت به آن تعیین تکلیف نموده است. به موجب قانون اساسی، هیچ مرحله‌ای از فرایند امر به معروف و نهی از منکر نباید از شمول و حاکمیت قانون خارج باشد. از دیگر نکاتی که باید از آن به‌عنوان الزامات قانونی برای اجرای اصل هشتم قانون اساسی یاد کرد، پیش‌بینی فرایند قانونی امر به معروف و نهی از منکر است، یعنی ضوابط و فرایند اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مورد نحوه اعمال نظارت، پیگیری و ارائه گزارش‌های عمومی در قانون به دقت معین شود. چرا که در این موارد از یک سو با حقوق افراد مواجه هستیم و از سوی دیگر با حقوق و وظایف دیگر نهادها و شخصیت‌های حقوقی.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

قرآن کریم

فارسی

- بخشی زاده اهری، امین، ۱۳۹۲، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات عصر اندیشه.
- جعفری، علی، ۱۳۸۴، نسبت رسانه‌های جهانی و بحران جهانی با تأکید بر وقایع پس از یازدهم سپتامبر،

فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۴۲.

- جمشیدی، محمدحسین، ۱۳۸۸، **اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح الله، ۱۳۸۷، **صحیفه امام**، جلد پانزدهم، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره).
- عباسی، بیژن، ۱۳۹۰، **حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- مجتهدی، محمدرضا، ۱۳۹۱، **حقوق تأمین اجتماعی**، چاپ اول، تبریز، انتشارات آیدین.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۷۴، **سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر در اسلام**، چاپ اول، تهران، انتشارات تابان.
- وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا، ۱۳۸۷، **قانون اساسی در نظم حقوق کنونی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۵، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

عربی

- نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲ق، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، جلد بیست و یکم، چاپ هفتم، قم، دار الکتب الاسلامیه.